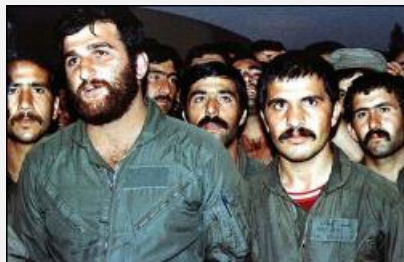


## شهیدی که مقام معظم رهبری به او اقتدا کرد



بالاترین ساعت پرواز در جنگ را در جهان داشت. خودش دو هفته پیش از شهادت در رابطه با این موضوع گفته بود: اگر تعریف نباشد فکر می کنم بالاترین ساعت پرواز جنگ در دنیا را داشته ام. تا به حال 360 بار از خطر گلوله های دشمن جان سالم به در برده ام.

بالاترین ساعت پرواز در جنگ را در جهان داشت. خودش دو هفته پیش از شهادت در رابطه با این موضوع گفته بود: اگر تعریف نباشد فکر می کنم بالاترین ساعت پرواز جنگ در دنیا را داشته ام. تا به حال 360 بار از خطر گلوله های دشمن جان سالم به در برده ام. در میان خلبانان هوانیروز ارتش جمهور یا اسلامی نام امیر سرافراز ارتش اسلامی، سر تیپ خلبان شهید علی اکبر شیرودی از اسامی مبارکی است که به ایمان و شجاعت شهره است. فرزندی فداکار از فرزندان انقلاب اسلامی که آوازه رشادت و وفاداری اش در تاریخ این مرز و بوم پیچیده است. شهیدی قهمان که روز هشتم اردیبهشت هر سال و در سالروز شهادتش به روح پرفتوحش درود می فرستیم و با آمانما، اه ه تمام، شهداء، انقلاب اسلامی، تحدید بمان، م، کنیم.

امیر سرافراز ارتش اسلامی، سر تیپ خلبان شهید علی اکبر شیرودی، در دی ماه 1334 در شیروود تنکابن به دنیا آمد. وی دوران ابتدایی و دبیرستان را در تنکابن پشت سر گذاشت؛ سپس به تهران رفت و پس از طی مراحل جذب در هوا نیرو و آموزش خلبانی، به اصفهان اعزام شد. با اتمام تحصیلات متوسطه در سال 1351 وارد ارتش شد و دوره ی مقدماتی خلبانی را در تهران به پایان رساند؛ سپس دوره ی هلی کوپتری کبرا را در پادگان اصفهان دید و با درجه ی ستوان یاری فارغ التحصیل شد. پس از سه سال خدمت در ارتش به کرمانشاه رفت و با شهید احمد کشوری و چند نفر دیگر آشنا شد.

از همکاری با پیشمرگان کرد مسلمان تا پیوستن به سپاه پاسداران با اوج گرفتن جریانات انقلاب اسلامی شهید شیرودی از ارتش یانی بود که به صفوف راهپیمایان پیوست و به دستور حضرت امام (ره) مبنی بر فرار سربازان از پادگان ها او نیز خارج شد. پس از خروج از پادگان، در صدد تشکیل گروهی چریکی برآمد و با تعدادی از دوستانش در کرمانشاه در این زمینه اقدام کرد تا اینکه امام (ره) به میهن بازگشتند و انقلاب به پیروزی رسید. شهید شیرودی پس از جریانات پیروزی انقلاب با پیشمرگان کرد مسلمان همکاری کرد و سپس با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به سپاه غرب کشور پیوست.

### ستاره درخشان جنگ کردستان

زمانی که جنگ کردستان آغاز شد، شیرودی و چند تن دیگر از خلبانان وارد جنگ شدند و او ساعتی از جنگ فاصله نگرفت و چنان جنگید که شهید دکتر مصطفی چمران او را ستاره درخشان جنگ کردستان می نامید و شهید تیمسار فلاحی نیز او را منجی غرب و فاتح گردنه ها و ارتفاعات آربابا، بازی دراز، میمک و دشت ذهاب و پایگاه ابوذر معرفی می کرد.

### درجه تشویقی را نپذیرفت!

با شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ به منطقه کرمانشاه رفت. وی هنگامی که شنید بنی صدر دستور داده پادگان تخلیه و انبار مهمات منهدم شود از دستور سرپیچی کرد و به دو خلبانی که با او همفکر بودند گفت: «#171ما می مانیم و با همین دو بالغرد که در اختیار داریم مهمات دشمن را می کوبیم و مسئولیت تمرد را می پذیریم». در طول ۱۲ ساعت پرواز بی نهایت حساس و خطرناک، این شهید به عنوان تنها موشک انداز پیشاپیش دو خلبان دیگر به قلب دشمن یورش برد. بنی صدر برای حفظ ظاهر دو هفته بعد به او ارتقاء درجه داد، اما خلبان شیرودی درجه تشویقی را نپذیرفت و تنها خواسته اش این بود که کارشکنی های بنی صدر و بی تفاوتی برخی از فرماندهان را به عرض امام (ره) برساند.

### خانه اش ویران شد اما به ماموریت رفت!

در مهر ماه سال ۱۳۵۹ یکی دو فروند میگ عراقی که بر فراز پایگاه هوانیروز کرمانشاه به قصد حمله ظاهر شده بودند مورد هدف پدافند هوانیروز قرار گرفته و لاشه آن درست روی ساختمان محل زندگی شهید شیرودی سقوط کرده و ساختمان را ویران می کند. در آن زمان شیرودی، عازم به ماموریتی بود. به او گفتند سری به منزلت بزن ببین چه بلایی سرش آمده ولی در کمال تعجب وی با خنده و خونسردی کامل گفت: ترجیح می دهم به منطقه بروم. او رفت و کلید منزلش را فرستاد تا دوستانش بروند و اگر اثاثیه ای مانده است به جای دیگر ببرند. بچه های انجمن اسلامی رفتند و داوطلبانه اثاثیه منزل او را به خانه دیگری منتقل کردند و

شیرودی پس از انجام چند پرواز برگشت و به منزل جدیدش سر زد.

در همان ایام به دستور فرماندهی هوانیروز چند درجه تشویقی گرفت و از ستونیار سوم خلبان به درجه سروانی ارتقاء یافت، اما طی نامه‌ای به فرمانده هوانیروز کرمانشاه در ۹ مهر ۱۳۵۹ چنین نوشت:

از: خلبان علی اکبر شیرودی

به : فرمانده پایگاه هوانیروز کرمانشاه

موضوع : گزارش

اینجانب که خلبان پایگاه هوانیروز کرمانشاه می باشم و تاکنون برای احیای اسلام و حفظ مملکت اسلامی در کلیه جنگها شرکت نموده ام، منظوری جز پیروزی اسلام نداشته و به دستور رهبر عزیزم به جنگ رفته ام.

لذا تقاضا دارم درجه تشویقی که به اینجانب داده اند، پس گرفته و مرا به درجه ستوان یار سومی که قبلاً بوده ام برگردانید. در صورت امکان امر به رسیدگی این درخواست بفرمائید.

باتقدیم احترامات نظامی

خلبان علی اکبر شیرودی

9/7/1359

امیدوار به وصال معشوق

شهید شیرودی بالاترین ساعت پرواز در جنگ را در جهان داشت. خودش دو هفته پیش از شهادت در رابطه با این موضوع گفته بود : اگر تعریف نباشد فکر می کنم بالاترین ساعت پرواز جنگ در دنیا را داشته ام تا به حال 360 بار از خطر گلوله‌های دشمن جان سالم به در برده ام. تیر خورده ام که البته همه آنها قابل تعمیر بوده و هم اکنون قابل استفاده اند. در حال حاضر فکر می کنم بیش از بیست هزار مأموریت انجام داده باشم و آنچه که مسلم است قدرت خداست که من تا به حال زنده ام و امیدوارم که تا روزی که اسلام به پیروزی می رسد زنده بمانم.

روزی دیر هنگام به پایگاه هوانیروز کرمانشاه بازگشت و لبخند زنان به پنجره‌های پودر شده و بدنه سوراخ سوراخ هلیکوپترش نگریست و به مستقبلین گفت: &#171;هر چند در این پرواز شوق یک عاشق را در امید به وصال معشوق احساس می کردم اما هنوز آن قدر خالص نشده ام که معشوق مرا به عرش اعلای ملکوت راه دهد».

من یک سرباز ساده اسلام هستم

او در یکی از مصاحبه هایش گفته بود : من علی اکبر شیرودی فرزند دهقان زاده شهبازی هستم. من روستا زاده افتخار می کنم که در خدمت شما هستم و این قدر هم که از من تعریف می کنید، می ترسیم خودم را گم کنم و فکر کنم واقعا لیاقتش را ندارم. من خواهش می کنم من را بزرگ نکنید، من لیاقت این همه بزرگی را ندارم. من یک سرباز ساده اسلام هستم که هنوز نتوانسته ام خودم را در حد کمال قرار دهم. یک سرباز ساده باشیم تا روزی که به شهادت برسیم و در آن روز خداوند بزرگترین درجه افتخار را به ما عنایت می فرماید. تا آن روز ما سرباز ساده‌ای هستیم و بهتر است که ما را بزرگ نفرمایید تا خودمان را گم نکنیم.

مقام معظم رهبری به او اقتدا کرد

محمد علی میرزایی یکی خلبانان هوانیروز و هم‌رزم شهید شیرودی می گفت : زمانی که در پایگاه هوایی کرمانشاه بودیم، مقام معظم رهبری در نماز جماعت به ایشان اقتدا کرد و نماز خواند.

همیشه آماده شهادت بود

مقام معظم رهبری در مورد شخصیت شهید شیرودی می فرمودند :

سروان شیرودی یک خلبان هوانیروز بود و انسانی همیشه آماده شهادت. به یکی از برادران که از دوستان قدیمی اش و از روحانیون متعهد کرمانشاه است گفته بود : فلانی بیا یک خداحافظی از روی خاطر جمعی با تو بکنم زیرا می دانم که باید شهید بشوم. این برادرمان گفته بود که خدا کند حفظ بشوی و خدمت کنی. گفته بود نه، شهید کشوری را در خواب دیدم که به من گفت : شیرودی یک عمارت خیلی خوبی برایت گرفته ام. باید بیایی توی این عمارت بشینی. لذا می دانم که رفتنی هستم.

تبریک را برای شهادتم نگه دارید

آخرین عملیات پروازی خلبان شیرودی در هشتم اردیبهشت ماه سال 1360 در منطقه بازی دراز صورت گرفت. گزارش شده بود که یک لشکر زرهی عراق با حدود دویست و پنجاه تانک و پشتیبانی توپخانه و خمپاره انداز و چند فروند جنگنده روسی و فرانسوی قصد دارد برای باز پس گیری ارتفاعات بازی دراز از اطراف شهرک قره بولا به سوی سر پل ذهاب حمله کند. قرار شد هوانیروز فرماندهی عملیات در این منطقه را به عهده گرفته و به کمک بقیه خلبانان این حمله را خنثی کند. در همین زمان شیرودی به پاس خدمات منحصر به فردش به درجه سروانی مفتخر شده بود. اما او به کسانی که برای عرض تبریک آمده بودند، گفت: &#171#تبریک را به زمان دیگری موکول کنید، زمانی که در اجرای فرمان امام و رسیدن به الله شهید شوم. من شرف درجه حیات را در قربان کردن خویش می یابم.»

در آن روز در حالی که تانک های عراقی به طرف قره بلاغ دشت ذهاب در حرکت بودند، با به مقابله با آنان پرداخت و پس از انهدام چندین تانک از پشت سر مورد اصابت گلوله تانک قرار گرفت و به شهادت رسید. پیکر پاک و مطهرش در گلزارشهادی شیرود به خاک سپرده شد.

امام خمینی (ره): او آمرزیده است  
تیمسار فلاحی بعد از شهادت وی گفت: وقتی خبر شهادت شیرودی را به امام (ره) دادم یک ربع به فکر فرو رفتند و حضرت امام (ره) در مورد همه ی شهدا می گفت خدا آنها را بیامرزد، ولی در مورد شیرودی گفت او آمرزیده است.

فرازی از وصیتنامه شهید سرتیپ خلبان شهید علی اکبر شیرودی:  
هنگامی که پرواز می کنم احساس می کنم همچون عاشق به سوی معشوق خود نزدیک می شوم و در بازگشت هرچند پروازم موفقیت آمیز بوده باشد، مقداری غمگین هستم چون احساس می کنم هنوز خالص نشده ام تا به سوی خداوند برگردم.  
اگر برای احیای اسلام نبود، هرگز اسلحه به دست نمی گرفتم و به جبهه نمی رفتم. پیروزیهای ما مدیون دستهای غیبی خداوند است. این کشاورز زاده تنکابنی، سرباز ساده اسلام است و به هیچ یک از حزب ها و گروه ها وابسته نیست. آرزو دارم که جنگ تمام شود و به زادگاهم بروم و به کار کشاورزی مشغول شوم.